

ادب عربي، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱



10.22059/jalit.2021.319016.612357

Print ISSN: 2382-9850//Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

## **Sociological Reading of the Novel *Sharafat al-Aar* based on the Capital and Character of Social Actors in the Field of Cultural Production**

**Mohammadnabi Ahmadi**

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Razi University

**Edris Mohamadi**

Master Student of Arabic translation, Razi University

Received: 2021, February, 13; Accepted: 2021, May, 4

### **Abstract**

The novel *Sharafat al-Aar* narrates the lives of characters with different inherent and acquired capitals and talents who compete and play together in the common field of cultural production based on their character and capitals, or on the opposite side. They play a role to achieve a symbolic status in the social space. The nature of this research method is descriptive-analytical, relying on Bourdieu's sociological concepts. Findings show that the discourse of debauchery is weak in terms of ownership of cultural capital and very rich in terms of social and symbolic capital. Negative social capital in this discourse becomes actions that reproduce betrayal and violence, and the true discourse of religion, despite its intellectual character, achieving social status and the acceptable richness of cultural and economic capital, Faced with a hot crisis of stigma, the "murder for the defense of dignity" rule is removed from the scene under the rule of legitimacy.

**Keywords:** Sociology, Bourdieu Theory, *Sharafat al-Aar*, Ibrahim Nasrallah.

## خوانش جامعه‌شناختی رمان شرفه‌العار با تکیه بر سرمایه و منش کنشگران اجتماعی در میدان تولید فرهنگی

محمّدنبی احمدی\*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی

ادریس محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه رازی

(از ص ۶۵ تا ۸۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۴

علمی-پژوهشی

### چکیده

رمان شرفه‌العار، روایتگر زندگی شخصیت‌هایی با سرمایه‌ها و استعداد‌های ذاتی و اکتسابی متفاوت است که در میدان مشترک تولید فرهنگی بر اساس خصلت و سرمایه‌ای که در اختیار دارند، در کنار هم یا در نقطه‌مقابل هم، به رقابت و ایفای نقش می‌پردازند تا در فضای اجتماعی به منزلتی نمادین دست یابند. روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر مفاهیم جامعه‌شناختی بوردیو است. نتایج این پژوهش حاکی از این است که شخصیت‌های رمان شرفه‌العار از حیث مالکیت سرمایه فرهنگی و اقتصادی ضعیف هستند و تنها منار است که از تحصیلات دانشگاهی، مطالعه و حضور در اماکن فرهنگی از سرمایه فرهنگی نسبتاً مناسبی برخوردار است و این سرمایه را با اشتغال، به سرمایه اقتصادی زیادی تبدیل می‌کند؛ اما در بازتولید سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین شهرت، با بحران داغ‌تنگ روبه‌رو می‌شود. گفتمان کژآئین از نظر مالکیت بر سرمایه اجتماعی و نمادین، به شدت غنی است؛ به طوری که امین و سالم در اکثر کنش‌های خویش، نگران قضاوت شدن از سوی اطرافیان و همسایگان هستند و با بازتولید سرمایه‌های منفی بی‌اعتمادی، خیانت و خشونت و بر اساس قاعده مشروعیت «قتل برای دفاع از حیثیت»، در مسیر سیر صعودی منار (قهرمان زن) قرار می‌گیرند و او را از میدان حذف می‌کنند تا سرمایه به نفع امین و عمو سالم، نمایندگان گفتمان کژآئین، به دستاورد معنوی «حیثیت و غیرت» تبدیل شود.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی، نظریه بوردیو، شرفه‌العار، ابراهیم نصرالله.

## ۱. مقدمه

احساس نیاز به بازگ کردن حقایق جامعه، نویسنده را به خلق آثاری وامی دارد که بافت و درون مایه اجتماعی دارند. روایت، به اقتضای این ماهیت که بازنمود واقعیت است، از سرشتی پذیرنده برخوردار است و این قابلیت را دارد که از دیدگاه علوم مختلف بررسی شود. جامعه‌شناسان، الگوهای متعددی برای بررسی و تحلیل گفتمانی متون پیشنهاد داده‌اند که در این میان، می‌توان به نظریات جامعه‌شناختی لویی آلتوسر (Althusser)، گرامشی (Antonio Gramsci)، گلدمن (Lucien Goldmann) و ... در زمینه کنش‌گران اجتماعی اشاره کرد؛ اما مطالعات جامعه‌شناختی پی‌یر بوردیو (Pierre Bourdieu) که بر پایه رابطه دیالکتیکی «میدان» و «عادت‌واره» است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و پژوهشگران واقع شده است؛ چراکه زمینه را برای درک مناسبات قدرت و سلطه در میدان‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، دینی، فلسفی، هنری، ورزشی و توجه به نحوه بازی کنش‌گران بر اساس خصلت‌ها و بر اساس قواعد خاص هر میدان اجتماعی فراهم آورده است.

رمان شرفه العار، یکی از موفق‌ترین آثار ابراهیم نصرالله<sup>۱</sup> است که وضعیت نابسامان جوامع عربی را در پرتو سنت‌های نادرست و کلیشه‌های نهادینه‌شده در این جوامع انعکاس می‌دهد. بررسی جامعه‌شناختی این اثر، برای درک و شناخت جامعه در عصر حاضر، خالی از سود نخواهد بود. این نوشتار، با تکیه بر مطالعات پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز مشهور فرانسوی، به تحلیل کنش شخصیت‌ها در فضای منعکس‌شده در رمان می‌پردازد تا به این پرسش پاسخ بدهد که چگونه قواعد حاکم بر میدان و عادت‌واره شخصیت‌ها در رمان شرفه العار، به برتری یک گفتمان و تقسیم افراد به دو گروه فرادست و فرودست در فضای اجتماعی می‌انجامد؟ بر طبق نظریه بوردیو، کنش عاملان اجتماعی، نتیجه حوزه و خصلتی است که شخصیت‌ها به آن تعلق دارند. هر حوزه، قواعد خاص خود را دارد و کنش‌گران بر اساس اندوخته‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین که تحت عنوان سرمایه از آنها نام می‌برند، و خصلت‌های فردی و اجتماعی خود، کنشی متفاوت نسبت به دیگر افراد از خود به نمایش می‌گذارند.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در حوزه جامعه‌شناسی متون عربی وجود دارد که ذکر آنها در این مختصر نمی‌گنجد. ادبیات داستانی ابراهیم نصرالله نیز به نسبت مورد توجه پژوهشگران ایرانی و عربی قرار گرفته است؛ از جمله این پژوهش‌ها عبارت‌اند از:

- سرباز و آریادوست در مقاله «ابراهیم نصرالله و تجربه الزوائیه (ابراهیم نصرالله و تجربه رمان‌نویسی)» (۱۳۹۰)، به بررسی زندگی ادبی نصرالله پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که وی با دیدی نافذ و استفاده از تکنیک‌های نوین ادبی و با تکیه بر وقایع تاریخی ملت فلسطین، به بررسی مشکلات انسان فلسطینی در جنبه‌های مختلف انسانی، هویتی، فرهنگی و تاریخی می‌پردازد.

- دلشاد در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تداخل ژانرهای ادبی در رمان‌های ابراهیم نصرالله؛ بررسی موردی رمان پادشاه منطقه الجلیل»، (۱۳۹۲) به بررسی رمان مذکور پرداخته و به این نتیجه رسیده است که نویسنده در این اثر، ژانرهای متنوع ادبی، روایت و شعر، گونه‌های حماسی و هنرهای تجسمی را به کار بسته که با هم، هم‌پوشانی دارند.

- اخباری در پایان‌نامه کارشناسی ارشدش با عنوان «نوع‌شناسی تطبیقی رمان نو در ادبیات فارسی و عربی با تکیه بر دو رمان هیس (محمدرضا کاتب) و حارس المدينة الضائعة (ابراهیم نصرالله)» (۱۳۹۳) با بررسی این دو اثر به این نتیجه رسیده است که نصرالله و کاتب در این آثار از ویژگی‌های رمان نو بهره برده‌اند و می‌توان گرایش به جریان سیال ذهن را در کتاب هیس و رئالیسم جادویی را در رمان حارس المدينة الضائعة مشاهده کرد.

- سلیمی و قبادی در مقاله «تحلیل رمان طفل الممحة اثر ابراهیم نصرالله از منظر پیوند میان باورهای دینی و رئالیسم» (۱۳۹۲)، این رمان را از منظر پیوند میان باورهای دینی و رئالیسم بررسی کرده و به این نتایج دست یافته‌اند که نویسنده به منظور هماهنگی میان مضمون و فرم، به ابتکاری نو دست زده و میان باورهای عامیانه مردم با رئالیسم جادویی پیوندی هنری ایجاد کرده است.

- علی صیادانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های تمایز در رمان اللص و الکلاب بر اساس الگوی جامعه‌شناختی پیر بوردیو» ضمن تحلیل جامعه‌شناختی به این نتایج دست یافته‌اند که نویسنده در رمان مذکور با بررسی نقش عواملان کنش در ساختارهای اجتماعی، نوعی تشخیص طبقاتی و فرهنگی را در میدان‌های مختلف بر اساس عادت‌واره‌ها، سرمایه‌ها و فضای اجتماعی برجسته می‌کند.

- عباس عرب و امید ایزانلو (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد جامعه‌شناختی شعر عدی بن زید عبادی» از منظر جامعه‌شناختی به تأثیر باورهای موجود در جامعه بر شخصیت و به تبع آن بر شعر عدی بن زید عبادی پرداخته‌اند و اذعان دارند که تأثیر نمادها و شعایر دینی غالباً با «فرهنگ» در آمیخته است؛ به عبارتی تأثیر آتوریته‌های دینی بر مجموعه منش‌ها و کنش‌های غالباً مادی را بررسی کرده‌اند.

با توجه به هدف این پژوهش که راست‌آیندی و کژآیندی موجود در جامعه را در رفتار و کردار شخصیت‌های رمان *شرفه‌العار* بر اساس مفاهیم کلیدی نظریه کنش، یعنی «میدان»، «منش»، «سرمایه» بررسی می‌کند، باید اذعان داشت که تاکنون هیچ‌یک از رمان‌های نصرالله بر اساس این نگرش تحلیل نشده‌اند و این اثر از حیث توجه به سرمایه‌های چهارگانه شخصیت‌ها و ارتباط آن با منش، میدان و در نهایت کنش به‌وقوع پیوسته، نوین می‌نماید.

## ۲. چارچوب نظریه بوردیو

جامعه‌شناسی بوردیو متأثر از زندگی اجتماعی او در فرانسه و الجزایر و درک فجایی است که نتیجه برخورد سرمایه‌داری امپریالیسم و ناسیونالیسم بومی است. مشاهده نابرابری‌های موجود در جامعه، زمینه گرایش او

به انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی را فراهم آورد و موجب شد نحوه شکل‌گیری سلطه، نابرابری و بازتولید آن را در کانون توجه خود قرار دهد (ن.ک: بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۳). علاقه بوردیو به از میان برداشتن چیزی که خودش آن را ضدیت کاذب میان عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی و یا «ضدیت بیهوده فرد و جامعه» می‌نامد، محرک نظریه عمل شد. این نظریه، مصداق بارز رویکرد تلفیقی اوست که مبتنی بر نوعی رابطه بین ذهنیت و عینیت، و ساختار و عاملیت است؛ همچنان‌که خود اذعان داشته، فوری‌ترین نیتی که هدایت‌کننده کارش بود، غلبه بر «ضدیت میان ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی» بوده است. بر این اساس، موقعیت عامل در فضای اجتماعی یا به عبارت دقیق‌تر، ویژگی‌های فضا در تبیین رفتار موثرند (همان: ۵۷). بوردیو تلقی جامعه به مثابه مجموعه‌ای از افراد را رد می‌کند و آن را فضایی اجتماعی (Champs) مرکب از مجموعه‌ای از میدان‌ها (field) و کنشگران اجتماعی (افراد یا سازمان‌ها) دارای منش‌های<sup>۲</sup> (Habitus) مرتبط با میدان‌ها می‌داند که قوانین و منطق خاص خود را دارند و بر این باور است که افراد به‌عنوان کنشگران اجتماعی در قالب قواعد حاکم بر میدان اجتماعی و مطابق با خصلت خود در جهت دستیابی به انواع سرمایه‌ها با هم در تنازع و رقابت قرار دارند (بوردیو: ۲۰۱۲: ۱۸۵) و به کنش می‌پردازند. در نظریه بوردیو، کنش، حاصل مواجهه منش با میدان است. فرد با زندگی در یک محیط، به تدریج تحت تأثیر قواعد همان محیط، جامعه‌پذیر می‌شود و منش شکل می‌گیرد. فرد متأثر از منش خود در مواجهه با میدان، دست به کنش می‌زند (همان، ۱۹۹۷: ۲۱۴).

جایگاه هر فرد در میدان با توجه به حجم سرمایه‌هایی که در اختیار دارد، متفاوت است. بوردیو سرمایه را منبعی صرفاً اقتصادی (نظیر ثروت مادی) نمی‌داند؛ بلکه سرمایه از نظر وی می‌تواند نمادین (پرستیژ و یا افتخار)، اجتماعی (اعتماد و دوستی) و فرهنگی (قابلیت‌ها و دانش فرهنگی) باشد. توزیع همه شکل‌های سرمایه نابرابر است و ریشه در ساختارهای طبقاتی دارد؛ بر این اساس، هریک از شکل‌های سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین به‌مثابه منابع قدرت هستند.

### ۳. خلاصه رمان شرفه العار

رمان شرفه العار عنوان یکی از رمان‌های اجتماعی-انتقادی ابراهیم نصرالله است که با پرداختن به موضوع «حیثیت و داغ ننگ»، به دفاع از هزاران دختر بی‌گناهی می‌پردازد که قربانی خشونت‌اند و ناخواسته با فشارهای روانی و اجتماعی متعددی دست به گریبان می‌شوند که از سوی جامعه کژآئین مردسالار به آنها تحمیل شده است. شخصیت اصلی این داستان دختری به نام «منار» است که با تشویق پدرش «ابو امین» وارد دانشگاه می‌شود و پس از پایان دانشگاه، در یک مدرسه مشغول کار می‌شود. رفتارهای متجددانه ابوامین و مخالفت با ازواج زود هنگام دخترش، مورد پسند برادرانش، به‌ویژه «سالم» (نماینده گفتمان مردسالار) نیست. سالم بر طبق رسوم خانوادگی، اصرار دارد منار با یکی از پسرعموهایش ازدواج کند. با گذشت زمان، ابوامین به‌خاطر بیماری، توانش را از دست می‌دهد و ماشینش را برای کار به جوانی به نام یونس که در ظاهر امانت‌دار است، می‌سپارد. در قسمت دیگر رمان، «امین»، پسر بزرگ خانواده که با

وجود زن و فرزند، فاسق و لایابالی است، از کار اخراج و با یونس همراه می‌شود که اصول رانندگی را بیاموزد؛ اما با این ظن که یونس در مدت کار با ماشین، حق آنان را خورده است، به بهانه بیماری زنش، مبلغ زیادی از او قرض می‌کند و با گرفتن گواهی‌نامه، ماشین را پس می‌گیرد و با شرارت بدهی‌اش را به یونس انکار می‌کند. یونس که هم کار و هم مالش را از دست داده است، برای انتقام از امین، منار را می‌رباید و آبروی دختر بی‌گناه را خدشه‌دار می‌کند. منار با شرم و ترس، این قضیه را پنهان می‌کند، ولی بارداری، پرده از رازش برمی‌دارد. امین دیوانه‌وار درصدد قتل منار برمی‌آید؛ اما «انور»، برادر کوچک مانع می‌شود و در کنار خواهرش می‌ایستد تا شاید با سقط جنین این راز سربسته بماند. تلاش آنها و رفت‌وآمد به مطب‌ها راه به جایی نمی‌برد. در مدن کوتاهی، یکی از زنان همسایه از قضیه مطلع و خبر رسوایی به سرعت در محله پخش می‌شود. سالم، برادر ابوامین، پرچم سیاه شرم را بر در خانه نصب می‌کند و امین را به پاک‌کردن لکه ننگ و دفاع از حیثیت خانواده تشویق می‌کند. پلیس در جریان ماجرا قرار می‌گیرد و به منظور تأمین امنیت جانی منار، او را بازداشت می‌کند. در بخش پایانی رمان، با نقشه پلید سالم و با ضمانت فردی معتمد، منار را آزاد می‌کنند تا او را با برادرش، عبدالرئوف که در دبی زندگی می‌کند، از این شهر خارج کنند؛ اما خود با اسلحه منتظر می‌مانند و به محض رسیدن منار، امین به زندگی‌اش پایان می‌دهد و سالم با غرور پرچم سپیدی را جایگزین پرچم سیاه شرم می‌کند.

#### ۴. تحلیل جامعه‌شناختی رمان *شرفه‌العار*

در رمان *شرفه‌العار*، با تنوع شخصیت یا کنش‌گر، به‌عنوان بازیگر صحنه مواجه‌ایم که در میدان تولید فرهنگی، بر اساس سرمایه و منش شکل‌یافته خود عمل می‌کنند و با بازتولید دو گفتمان و دو قطب فرادست و فرودست، از هم متمایز می‌شوند.

#### ۴-۱. تمایز شخصیت‌ها در عادت‌واره‌ها

«منش»، هابیتوس یا عادت‌واره، به آمادگی‌هایی اشاره دارد که کنش‌گر اجتماعی در طی فرآیندهای یادگیری و جامعه‌پذیری، در زندگی به دست می‌آورد و بر این اساس، توانایی کنش متقابل با دیگر کنش‌گران در صحنه‌های مختلف را کسب می‌کند (بزاز، ۲۰۰۷: ۷۶).

منش منار: نمادها و نشانه‌هایی که در این رمان برای منار به چشم می‌خورد، نوع گفتار و رفتار (ادب، خوش‌اخلاقی و متانت، اعتمادبه‌نفس و استقلال)، علائق شخصی (مطالعه، تفکر، حضور در کتابخانه، علاقه‌مند به هنر و موسیقی و حضور در سینما و شب شعر) و موقعیت شغلی (معلم مدرسه) است. از آنجا که بر اساس مطالعات بوردیو ذهنیت و عینیت، عاملیت و ساختار تقابلی با هم نداشته، ارتباطی دیالکتیکی با هم دارند، چنین برداشت می‌شود که منش هر فرد به‌نوعی، تحت تأثیر جامعه و در گرو کنش‌های متقابلی است که اصطلاحاً می‌توان تحت عنوان «جامعه‌پذیری» از آن یاد کرد؛ بر این اساس باید گفت منش سکوت، گریه و

ترس منار که پس از آزار و خشونت جنسی به نمایش گذاشته می‌شود، در تناقض با منش پیشین نیست، بلکه برخاسته از سایه شوم مردسالاری و انگ بی‌آبرویی از سوی اطرافیان است که او را نابهنجار تلقی و خودنگاره‌ای منفی در ذهنش خلق می‌کند: «کانت بحاجة إلى بحر كي تغسل ما علق بها من ألم وانكسار، هذا ما أحسّته» (نصرالله، ۲۰۱۰: ۱۱۷).

منش ابوامین: ابوامین در این رمان با مجموعه رمزگان‌هایی از قبیل موقعیت شغلی (کارگر کارخانه سیمان و راننده)، سبک زندگی و علاقه شخصی (مطالعه روزنامه، پی‌گیری اخبار روز و داشتن ماهواره)، نوع گفتار و رفتار (رسمی، محکم، مقتدر، مهربان و عاشق خانواده)، دارایی (خانه‌ای در پایین شهر و ماشین سوپاروی قدیمی) و نوع نگرش روشنفکرانه است که با اقتدار در مقابل باورهای سنتی، از جمله ازدواج اجباری و زود هنگام و ممانعت از تحصیل دختران می‌ایستد و با اعتماد و حمایت از دخترش، منار، اندیشه‌های برابری طلبانه، نو و راستین را بسط می‌دهد: «لكن أبوأمين أصبر: هذه البنت ستتعلم وستنجح وسأرفع رأسی بها» (همان: ۱۰).

تفکرات متجددانه ابوامین باعث شده است وی بارها از سوی سالم و دیگر برادرانش سرزنش شود. با این همه، نمی‌توان ابوامین را در بخش دوم داستان، نماینده کامل نسل روشنفکر به شمار آورد؛ چراکه با مطرح شدن قضیه آبرو، شخصیتی منفعل از خود ارائه می‌دهد که در برابر ظلم و جنایت سکوت می‌کند: «خرجت أمه ونبيلة تصرخان في الوقت الذي جلس أبوأمين في قعر صمته الميت» (همان: ۱۷۵).

ارائه منش سکوت، حاکی از نهادینه شدن ناقص تفکرات روشنفکرانه در ساختمان ذهنی ابوامین و تسلیم شدن در برابر اندیشه «قتل برای دفاع از حیثیت» اشاره دارد؛ در شرایطی که منار سخت به حمایتش نیاز داشت تا همانند گذشته با اقتدار در برابر خشونت مردسالاری بایستد.

منش امین: امین در این رمان با رمزگان‌هایی چون ویژگی‌های گفتاری و اخلاقی (عصبی، خشن، بی‌منطق، شریر، خائن، دروغ‌گو، لاپالالی و بی‌بندوبار)، موقعیت شغلی (رانندگی با ماشین پدر پس از اخراج از جایگاه سوخت و یک برهه بیکاری)، امکانات رفاهی (صفر) محل سکونت وی خانه پدری در کنار نبیله زن اول و خانه «تمام»، زن دوم، علائق شخصی (حضور در اماکن لهو و لعب، تفریحات نامشروع و همنشینی با زنان روسپی) به تصویر کشیده شده است: «معاً ذهباً إلى حانات، وإلى ملاء ليلية... تقاسماً مومساً في الكرسي الخلفي للسيارة، أكثر من مرة، التقطاً اثنتين عن الرصيف ذاته وانطلقاً بهما إلى طريق ريفي خارج المدينة» (همان: ۸۶).

منش سالم: منش سالم قدرت، خشونت، تمسخر و تهدید، عقائد تند مذهبی، مقاومت در برابر نوگرایی، تضعیف و تحقیر زن، نگرش‌های عامیانه و سنتی درباره ازدواج و تحصیل و اعتقاد به برتری مرد به‌عنوان جنس برتر است: «من لا يرفع رأسه بأولاده لن يستطيع أن يرفعها ببناته ردّ سالم» (همان: ۱۰).

این منش‌ها برگرفته از مجموعه کلیشه‌های ذهنی-جنسیتی مردانه در جوامع سنتی است که «در روند جامعه‌پذیری به‌صورت قاعده‌ای نهایی درآمده و با انتقال بین افراد از طریق آموزش و تعامل عمومی شده است» (دورکایم، ۱۹۸۸: ۵۸). سالم در این رمان برخلاف دیگر شخصیت‌ها، بارها با پوشش عربی و عمامه

سپاهی به تصویر کشیده شده که همراه با لحن تحقیرآمیز و ستیزه‌جویانه، تاریکی و ترس را بر فضای داستان حاکم می‌کند: «تقدّم سالم من بعید، عباءته السّوداء تتطایر خلفه لفرط اندفاعه، عیناه ممتلئان بالدم، وفي یده رایة العار الّتی لا یتمّنی أحد أن یراها تخفق فی آی مکان» (همان: ۱۶۷).

#### ۴-۲. تمایز در سرمایه شخصیت‌ها

بوردیو تحلیل مارکسیستی سرمایه مادی را به مجموعه‌ای از سرمایه‌ها در فضای اجتماعی تعمیم می‌دهد و سرمایه را هرگونه منافع خاص در عرصه اجتماعی برمی‌شمارد که کنشگران اجتماعی در رقابتی مستمر تلاش می‌کنند بر حسب توانایی خود از آن بهره‌مند شوند (علی، ۲۰۱۸: ۱۴۵)؛ از این‌رو، هر نوع دارایی مادی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود.

#### ۴-۲-۱. سرمایه فرهنگی و اقتصادی

همان‌طور که کنشگران اجتماعی در سرمایه مادی خود با یکدیگر تمایز دارند، در سلیقه‌ها، مهارت و معلومات نیز از هم متمایزند و سبک و شیوه‌های متفاوتی دارند. بوردیو سرمایه فرهنگی را به سه زیرشاخه عینی (کالاهای فرهنگی که فرد در اختیار دارد)، تجسم‌یافته (خصلت ذاتی شده/ توانایی‌های فردی که از طریق والدین، محیط آموزشی و جامعه کسب کرده است) و نهادی‌شده (مدارک علمی و فرهنگی که فرد کسب کرده است) تقسیم می‌کند (شوفالیه و شوفیری، ۲۰۱۳: ۱۶۲).

منار: او قدرت‌مندترین شخصیت داستان از حیث سرمایه فرهنگی است. دارای فرهنگی مترقی و نگرشی متعالی است که در هر سه شکل عینی (کتاب، روزنامه، نمایشگاه، موزه، انجمن‌های ادبی)، نهادی‌شده (مدرک دانشگاه - دانش‌آموخته جامعه‌شناسی) و تنیده (اهل تفکر و مطالعه) و نمودیافته است. منار در این میدان فرادستی تحسین‌برانگیزی نسبت به برادران خود دارد و اهل مطالعه و تفکر در جایگاه کنش است:

أول شیء فعلته حين وصلت الجامعة، هو الانحراف بمینا باتجاه المكتبة. سألها عصام: «إلى أين؟»  
فأجابت: «يلزميني أن أجلس قليلا مع القاموس»... هناك شيء مهم على العنور عليه، وإلّا سأمضي الوقت كلّه  
مُفكرة فيه (همان: ۴۱).

سرمایه تنیده منار متأثر از تربیت و منش پدر است که با حفظ و بازتولید عادت‌واره تفکر و مطالعه، مهم‌ترین علامت مشروعیت، یعنی کسب سرمایه نمادین شهرت و اعتماد به نفس را به دست آورده است:

ابنة أبو الأمین بعشرین رجلا، ألم تقل هذا دائما، أم أنك تراجعت عن كلامك لا سمح الله؟ ابنة أبو الأمین  
ستبقى دائما بعشرین رجلا، ولن أراجع عن رأيي فيك (همان: ۳۶).

همین سرمایه تنیده، نوعی اقتدار نمادین به او می‌بخشد که مولد نوعی سرمایه اجتماعی ناشی از اعتماد ابوامین به منار است؛ اما سرمایه نهادینه منار با اشتغال در مدرسه، به سرمایه اقتصادی نسبتاً خوبی نیز تبدیل می‌شود تا خانواده را مورد حمایت مالی قرار دهد و از سوی دیگر، با حضور در محافل هنری و ادبی، سرمایه عینی خود را غنا بخشد:



اهتدت منار للجریدة، أول ما اهتدت. كانت تنتظر بفارغ الصبر ذهاب المعلّمت إلى حصصهن، لتتناولها وتقرأ كلّ ما فيها، وليسب ما، أحسّت في نفسها ميلاً لحضور ندوات ثقافية وأمسيات شعرية، بل ومعارض تشكيلية أيضاً، فلم تتردّد (نصرالله، ۲۰۱۰: ۹۵).

بر این اساس، سرمایه اقتصادی منار نیز به بازتولید فرهنگ می‌انجامد و بیشتر به هنر تمایل نشان می‌دهد. ابوامین: او در عرصه سرمایه فرهنگی، تمایز خود را از طریق مطالعه و تمایل به پیشرفت نشان می‌دهند. سرمایه فرهنگی ابوامین در شکل نهادی شده (تهی) است و در عرصه اجتماعی، سرمایه نمادین شهرت و شأن اجتماعی برای او تولید نمی‌کند؛ لذا این شخصیت به لحاظ فرهنگی در سطح پایین قرار دارد؛ اما سرمایه‌های عینی و تجسم‌یافته او، اگرچه به مطالعه روزنامه و کتاب و تشویق منار به تحصیل علم منحصر می‌شود، حاکی از نگرشی رشدیافته و گرایش‌های روشنفکرانه است که فرصت بیشتری برای مهیا کردن است: «صحيح أنه لم ينه السّادس الابتدائي ... لكنّه كان يقرأ الجريدة ويتابع الأخبار ويشاهد مع منار فيلما كلّ ليلة جمعة» (همان: ۲۵).

ابوامین تا پیش از بیماری در یک کارخانه سیمان کار می‌کرد؛ اما با زمین‌گیر شدن، تنها سرمایه اقتصادی او یک ماشین سوپارو است که برای تامین مخارج زندگی، آن را به یونس و سپس امین می‌سپارد.

امین: در رمان شرفه العار، میزان سرمایه فرهنگی امین، بسیار ضعیف است. فرهنگ رشدنیافته و نگرش متعصبانه وی ناشی از وابستگی به تفکرات پوسیده و نادرست گفتمان سنتی است. امین از منظر سرمایه نهادینه، عینی و تجسم‌یافته در عرصه اجتماعی امتیازی عایدش نمی‌شود؛ چنان‌که امین با ترک مدرسه علناً بیزاری خود را از علم به نمایش می‌گذارد: «لم يكن أمين أهدى الصف الثالث الإعدادي، حين قرّر أن يترك المدرسة ... قام بأشبع الأعمال: تشاجر يوماً مع أكثر الأولاد» (نصرالله، ۲۰۱۰: ۱۴).

سرمایه اقتصادی امین نیز ضعیف است؛ او به علت عادت‌واره‌های منفی دروغ و فریبکاری با اعتراض رانندگان، از جایگاه سوخت اخراج می‌شود:

كانت إدارة محطة الوقود التي يعمل فيها أمين قد قرّرت اتخاذ الخطوة التي لا بدّ منها: أن تطرده، بعد أن اشتكى عدد من أصحاب السيارات في فترات متباعدة بأنّه يغشهم، مرّة بعدم قيامه بتصفير العداد ومرّة بحجب العداد عن أعينهم وطلب مبالغ تفوق قيمة الوقود الذي عبأ به خزانات سيارتهم (همان: ۱۲).

امین پس از سال‌ها زندگی با نبیله، هنوز خانه‌ای از خود ندارد و در خانه پدر زندگی می‌کند و پس از ازدواج دوم نیز در خانه تمام سکونت دارد. گذشته از این، پولی که از کارکردن با ماشین پدر به دست می‌آورد؛ صرف خوش‌گذرانی خود می‌کند، نه تأمین مخارج خانواده.

أم امین: سرمایه فرهنگی أم امین در شکل عینی (تهی)، تنیده (دعا) و نهادی‌شده (مدرک خیاطی) نمود یافته که دالّ بر فرهنگی رشدنیافته و نگرشی کوتاه‌بینانه است. دعا و توسّل، سرمایه فرهنگی متجسّد او و برگرفته از باورهای دینی است:

أمّ الأُمین كانت تعرف أنّها وحيدة أمام باب نجاة قد لا يفتح أمامها بعد هذه المرّة، تمتعت، رفعت الدعوات إلى الله واستجارات بأُنبیاء الله كلّهم، عمّد وعیسی وموسی وایبراهیم ونوح ویونس وإسحاق وصالح و... (همان: ۱۶۴).

أمّ الأُمین در جملات فوق، با آگاهی از جایگاه نمادین ناموس و آبرو در جامعه مردسالار، در مقابله با سرنوشت تلخی که در انتظار دخترش است، به دعا متوسّل می‌شود. سرمایه نهادینه او به شغل غیر مولّد و کم کارآمد خیاطی تبدیل می‌شود و دارایی او یک چرخ خیاطی سینجر است:

كانت أمّ الأُمین قد التحقت فور إلهائها المرحلة الإعدادية، لمُدّة عامین بمعهد مهني متخصص فرع الخياطة، تحرّجت منه بتفوّق، وأكملت مشوارها ذاك بشراء ماكينة خياطة من نوع سنجر و مقصّ فاخر من الماركة نفسها، واكتفت بالمتزل لعملها وبعد محدود من النساء زبائن لها، لكن انتشار الملابس الجاهزة، تركها وحيدة مع ماكينتها ومقصّها آخر الأمر (همان: ۳۷).

أمّ امین، با خیاطی غیر حرفه‌ای در خانه برای مشتریان محدود، به رفع نیازهای زندگی کمک می‌کند؛ اما با عرضه انبوه لباس‌های آماده در بازار، خیاطی أمّ الامین غیر مولّد می‌شود و مشتریان خود را از دست می‌دهد؛ لذا شغل ناکارآمد خیاطی به فقر سرمایه اقتصادی او می‌انجامد. دیگر شخصیت‌ها نیز از سرمایه فرهنگی و اقتصادی مساعدی برخوردار نیستند و برخی مانند سالم، اشاره‌ای به سرمایه اقتصادی آنها نشده است.

#### ۲-۲-۴. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در نظریه بوردیو، دو بخش تماس (روابط خانوادگی، ارتباط با خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران) و میزان اعتماد (اعتماد افراد به یکدیگر، اعتماد به نهادها، میزان صداقت افراد) در نظر گرفته شده است (شوفالیه و شوفیری، ۲۰۱۳: ۱۶۳). از آنجا که جهان داستان، نمودی از واقعیت جامعه است، در این رمان، نشانه‌های متعددی از وجود سرمایه اجتماعی در دو شکل مثبت و منفی دیده می‌شود.

سرمایه اجتماعی منار: در بخش تماس، منار در گروه خانواده، دوستان، همسایگان و همکاران عضویت دارد و از مدرسه، به‌عنوان سرمایه اجتماعی رسمی بهره برده و در سطح تمایزبخش، منار با عضویت در گروه اجتماعی «دانشگاه» از پایگاه فرهنگی-اجتماعی غنی‌تری برخوردار شده است: «كانت تدرس علم الاجتماع ... الحرم الجامعي جنتها...» (نصرالله، ۲۰۱۰: ۲۴)

سرمایه اجتماعی منار با وارد شدن به محیط کار و ارتباط صمیمانه با مدیر مدرسه و همکاران غنا می‌یابد. منار در این جایگاه به دلیل اختلاف سنی کم با دانش‌آموزان دبیرستانی، رابطه‌ای دوستانه با آنها برقرار می‌کند، پای حرف‌هایشان می‌نشیند و با آرزوها و دردهایشان همزادپنداری می‌کند. این رابطه دوستانه و حمایتی تنها به شاگردان محدود نمی‌شود؛ کما اینکه منار در محیط خانه از برادر کوچکش در برابر فشارهایی که خواهان ترک تحصیل اویند، حمایت می‌کند:

صحيح أنك كبير ومن الصعب على أن أدعوك إيني، لكنك ستكون إيني وسأعلمك، وأحميك منهم، لقد حاولو معي كثيراً لكي أترك المدرسة، ورفضت ... أعمل ولن أتركك تحتاج شيئاً، سأعلمك وستصبح ماتريد (همان: ۱۷۴).

به‌رغم غنای سرمایه‌های مثبت اجتماعی در وجود منار، با مطرح‌شدن داغ‌نگ، روزها منزوی می‌شود و از ارتباط با همه گروه‌ها، حتی خانواده امتناع می‌کند و خشونت‌ی که هستی‌اش را به صلابه کشیده است، پنهان می‌کند: «أعدت منار نفسها جيداً لرفض كل ما يتقدم لطلب يدها، كانت على ثقة من أنها ستكون بذلك قادرة على دفن سرّها في داخلها إلى الأبد» (همان: ۱۳۳).

پنهان‌کاری منار از بی‌اعتمادی او به امین و همچنین بی‌اعتمادی او به نهادهای اجتماعی و قضایی است که بارها و بارها در قضایای شرف، حکمی ظالمانه و ناعادلانه در حق قربانیان خشونت صادر کرده‌اند. منار با پنهان‌کاری، به بازتولید سرمایه منفی اجتماعی می‌پردازد، در حالی که با اعتماد به خانواده که پیش از این به‌خاطر حمایت از دخترشان در مقابل همه ایستاده بودند، می‌توانست پیش از فاش‌شدن ماجرا، راه حلی بیابند و از این بحران عبور کند؛ اما این راز بیش از سه ماه پوشیده نمی‌ماند و منار سنگینی نگاه و کلام گروه همسایگان را تحمل می‌کند که از بالکن خانه‌هایشان سر برآورده‌اند و نگاهش می‌کنند و او را می‌آزارد: «فجأة صاحت النسوة خلف الشبايك وفي الشرفات: ارحمنا يا رب، واستر علينا! كما لو أن الفضيحة لم تزل سرّاً» (همان: ۱۶۶).

سرمایه اجتماعی ابوامین: برجسته‌ترین گروهی که ابوامین در آن به تصویر کشیده شده، گروه خانواده است. در این رمان شاهد حمایت ابوامین از نبیله (زن اول امین) در درمان و تأمین مخارج عمل او و تأمین هزینه‌های زندگی‌اش، حمایت از عبدالرئوف و حمایت ویژه از منار برای ادامه تحصیل و رسیدن به جایگاه والای اجتماعی هستیم که نشان‌دهنده غنای سرمایه اجتماعی ابوامین است. در فضایی که اندیشه‌های پوسیده‌ای همچون اندیشه‌های سالم، بهادادن به دختر را زمینه‌ساز فساد اخلاقی او می‌داند، اعتماد ابوامین به منار و موافقت با حضورش در جامعه، سرمایه اجتماعی با ارزشی است که به بازتولید اعتماد به نفس و شکوفایی استعدادها منار می‌انجامد. حلقه دوستان، دیگر سرمایه اجتماعی ابوامین است که دوستی را بازتولید می‌کند و با اشتغال ابوامین در آژانس به کسب سرمایه اقتصادی منجر می‌شود: «أحمد، ذلك العجوز الذي يمكن أن يطلق عليه أبوأمين صفة صديق دون تردد، هو الذي ساعده كثيراً في بداية عمله وأرشدته وفتح عينيه على عالم سائقي سيارات التاكسي» (همان: ۵۷).

سرمایه‌های اجتماعی ابوامین پس از حادثه شرف، رو به زوال می‌نهد و به‌شدت فقیر می‌شود؛ بدین صورت که توان کنترل خانواده را از دست می‌دهد و به سالم اجازه می‌دهد در جایگاه قدرت برای خانواده او تصمیم بگیرد. در واقع ابوامین با برداشتن حمایت خود از منار و درپیش‌گرفتن سکوت، در قتل دخترش با گفتمان سنتی همراه می‌شود که روشنایی در آن نیست.

سرمایه اجتماعی امین: در رمان *شرفه العار*، نشانی از سرمایه اجتماعی مثبت در زندگی امین به چشم نمی‌خورد. زندگی او غرق در شرارت، خوش‌گذرانی و عیاشی است؛ لذا کوچک‌ترین توجهی به زنش، نبیله و دختر سه ساله‌اش، سلام ندارد و با وجود بیماری نبیله از تأمین نیازهای زندگی‌اش سر باز می‌زند:

دخلت نبیلة ألفت تحية الصباح متوقّعة أنه لن يجيب عليها، وهذا ما كان ... مضي نحو الحمام متجاوزا ابنته، أبصرته جرت نحوه لكّته تصرّف كما لو أنه لم يراها، وقفت الصغيرة في مكانها غير قادرة على أن تعود لمرحها وسقطت ابتسامتها (همان: ۱۵۷).

در گروه دوستان، شاهد دوستی او با یونس هستیم؛ اما این صداقت با توجه به سرمایه‌های پنهان‌کاری، حيله‌گری و دروغ‌گویی امین دوسویه نیست؛ امین رانندگی را از یونس می‌آموزد؛ اما قبولی خود را در آزمون رانندگی، از یونس و حتی خانواده پنهان می‌کند: «أخفي أمين عن يونس أمر حصوله على رخصة سيارة عمومية، كما أخفاها عن أهله» (همان: ۸۵).

ناهنجارهای اخلاقی، دنیای امین را فراگرفته است و او دور از چشم خانواده و همسایگان، وارد رابطه‌ای نامشروع با تمام، زن بیوه‌ای می‌شود که در همسایگی آنان زندگی می‌کند؛ اما این راز نیز برای همیشه از گروه همسایگان پنهان نمی‌ماند: «عجّرَد أن أصبح أمين في الشارع، وألقى نظرة على الشبايك و شرفات البيوت المقابلة، أدرك أن سرّه الذي لم يكن تماماً في قاع بئر، قد غدا راية فوق سارية» (همان: ۸۰).

فضای زندگی آمیخته با انحراف، شرارت، پنهان‌کاری و دروغ‌آمیزی، جایی برای صداقت و دوستی باقی نگذاشته، انبوهی از سرمایه‌های منفی را بازتولید می‌کند. امین با دروغ‌گویی و به بهانه هزینه عمل زنش هر بار مبلغی از یونس قرض می‌گیرد؛ اما در نهایت منکر این قضیه می‌شود: «نقود؟! أي نقود؟ أنا لم آخذ منك شيئاً» (همان: ۸۹).

چنان‌که مشاهده می‌شود، سرمایه اجتماعی دوستی بین یونس و امین، فضایی منازعه‌آمیز همراه با تهدید و خشونت تولید می‌کند که «در تضاد با پیوندهای سرمایه‌ساز، از عوامل کلیدی تولید سرمایه منفی برای کنش‌گران اجتماعی است» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۲۸۶)؛ لذا رابطه بین آن دو، بنیاد یک سرمایه منفی اجتماعی می‌شود که «اعتماد» را به‌عنوان سرمایه مثبت اجتماعی از بین می‌برد و خشونت را در بدترین شکل، یعنی هدف قراردادن آبروی منار از سوی یونس برای انتقام از امین و سپس قتل منار توسط برادرش با مشروعیت دفاع از شرف برجسته می‌سازد. امین به حمایت نهاد قضایی از مردان در حوادث شرف، اعتماد کامل دارد؛ لذا در موضع شخص داغ‌ننگ‌خورده، حق حیات را از خواهرش سلب می‌کند: «صاح عمّها سالم: هي لك! في اللحظة التي خرج أمين وبيده مسدسة ... وضع المسدس على جبينها، أغمض عينيه وأطلق النار» (نصرالله، ۲۰۱۰: ۲۳۳).

عاملیت امین در این رمان و اراده وی در قتل خواهرش، منار، متأثر از فشارهایی است که از سوی ساختار اجتماع و گفتمان غالب، یعنی سالم به او وارد شده است؛ گفتمانی که با قراردادن امین در جایگاه داغ‌ننگ‌خورده، قدرت تفکر منطقی را از او گرفته است.

سرمایه اجتماعی سالم: سالم در این رمان، تنها در یک عرصه به نمایش گذاشته شده است و آن گروه خویشاوندی است. اختلاف عقاید و تفکر سالم و ابومین و انتساب آنها به دو گفتمان متفاوت، باعث تیرگی روابط آن دو شده است؛ لذا طی داستان با شخصیتی مواجه ایم که با خشونت، تحقیر و تمسخر، سرمایه اجتماعی ابومین را تضعیف می‌کند و خانواده‌اش را در جایگاه داغ ننگ خورده قرار می‌دهد تا در چالش نمادین حیثیت، آنان را به کنشی بی‌رحمانه وادار می‌کند:

حين وصلت العائلة للبيت، كان عمها سالم قد وضع راية سوداء جديدة غير تلك التي أخذتها الشرطة ووقف بالباب ينتظرهم وهو على وشك الانفجار ... «كان يمكن أن تضعوا هذ العار حداً، لو أنكم تصرفتم كرجال ولكن، فلتعلموا أنني لن أشرب ماءكم أو أكل طعامكم أو أدعوكم أهلي قبل أن تغسلوا عاركم بأيديكم!...» (نصرالله، ۲۰۱۰: ۱۸۲).

سالم به شدت از حیث سرمایه‌های مثبت اجتماعی در فقر به سر می‌برد و به همین نسبت غنی از سرمایه‌های منفی اجتماعی است. اگرچه در داستان به روابط خانوادگی وی و میزان اعتماد، دوستی و صداقت با زن و فرزندان اشاره نشده است، اما موضع او نسبت به برادرزاده‌اش، منار، دال بر فقر سرمایه اجتماعی در زندگی اوست: «ستری أخرة الدلال هذا يا أبو أمين ... يا متعلم!» (همان: ۲۵).

سرمایه اجتماعی ام‌امین و نیبیله: گروه خانواده، بزرگ‌ترین گروهی است که ام‌امین و نیبیله در آن عضویت دارند. ام‌امین در کنار همسر و فرزندان، زندگی رضایت‌بخشی دارد؛ اما نیبیله در زندگی مشترک شکست خورده و تنها دلیل او برای ادامه این زندگی، دختر سه‌ساله‌اش، سلام و خانواده همسرش است که عاشقانه او را دوست دارند. ام‌امین در گروه دوستان تصوّر نشده است؛ اما نیبیله رابطه‌ای صمیمانه با منار دارد: «كانت نبيلة تحب منار، لم تكبرها سوى بأربع سنوات، كانتا صديقتين» (همان: ۱۴۱).

نیبیله تنها شخصی است که منار به او پناه می‌آورد و رازش را با او در میان می‌گذارد. حمایت نیبیله و ام‌امین از منار سرمایه اجتماعی این زنان است:

بعد أيام طويلة من محاولة أم الأمين ونبيلة للحصول على ذلك المبلغ الذي يريده الطبيب دون جدوي سقطنا في بئر يأسهما في الوقت الذي وصلنا في تشجيع المنار وهما تعدها بالوصول إلى حل ... باعت نبيلة أسورة ذهبية وقرطين وباعت أم الأمين أسورة أخرى (همان: ۱۴۸).

ام‌امین برای نجات دخترش از رسوایی و مرگ جسورانه در مقابل امین که کوهی از آتش است می‌ایستد: «صاحت أم الأمين: أترید أن تقتلها وأنت السبب في كل ما حصل لها؟» (همان ۱۵۳).

گروه همسایگان برای ام‌امین و نیبیله نیز معضلی دهشت‌زاست که همواره باید خود را از آماج نگاه آنان دور نگه دارند: «ظهرت أمه أحياناً، نظرت يمنة ويسرة ومسحت النواذ والشرفات المقابلة بنظرة سريعة، التفتت وراءها قالت شيئاً وسارت، فخرجت نبيلة ومنار تتبعها» (همان: ۱۴۶).

حمایت‌های نیبیله و ام‌امین از منار در برابر سرمایه‌های منفی اندیشه‌های غالب راه به جایی نمی‌برد.

## ۴-۲. سرمایه نمادین

سرمایه نمادین، بعد معنوی برخاسته از شأن و منزلت شخصی فرد است که در کنار دیگر سرمایه‌ها کسب می‌شود و شخصیت، اعتبار و شهرت را به فرد اعطا می‌کند (سنیه و معیری، ۲۰۱۷: ۸). بر این اساس، باید چنین اظهار کرد که سرمایه نمادین نوع تغییر یافته از سرمایه‌های پیشین است که به نوعی به نماد (سرمایه نمادین اقتصادی، سرمایه نمادین اجتماعی و سرمایه نمادین فرهنگی) تبدیل شده‌اند؛ بدین معنا که دارنده آن سرمایه، از سوی اطرافیان به دلیل برخورداری از آن سرمایه، تحسین و مورد احترام واقع می‌شود.

در رمان *شرفه‌العارب*، وضعیت نامساعد اقتصادی شخصیت‌ها که همگی جزء طبقه پایین و محروم جامعه‌اند، به سرمایه نمادین تبدیل نمی‌شود و تنها منار است که به علت یافتن شغل مورد پذیرش جامعه، از سوی خانواده و اطرافیان، صاحب احترام و منزلت است. در عرصه فرهنگی نیز، این منار است که با تداوم موفقیت، پیشرفت تحصیلی و کسب مدرک دانشگاهی به مشروعیتی مطلوب دست یافته و شخصیت و منزلت خاصی در بین خانواده و اطرافیان به دست آورده است؛ به نحوی که ابوامین به دخترش می‌بالد و به خاطر قبولی در دانشگاه، مهمانی بزرگی برپا می‌کند:

بفرح شدید کانت منار تبسم و تبکی وهی تراه يتقدم فوق كرسية المتحرك ... النساء والأغانی تفتح له الطريق ودمعته معلقة بطرف ابتسامته. في ذلك اليوم رقص أمامها كصبي صغير ... وصدق وعده: «سأزفك كعروس، وأرقص يوم نحاحك على رموش عيني، لو لم أستطع الرقص على قدمي (نصرالله، ۲۰۱۰: ۱۱).

بیشترین سرمایه نمادینی که در این رمان دیده می‌شود، سرمایه نمادین اجتماعی است و شامل طیفی از نمادها از قبیل احترام، متانت، مهربانی، زیبایی، مشارکت در گروه‌های دوستان، همکاران و جامعه است که برای فرد، منزلت و احترام به همراه دارد. در این رمان، زیبایی همراه با متانت و اخلاق نیکوی منار، شخصیت منحصر به فردی برای وی رقم زده است: «أبوها أدركت ذلك الجمال الهادئ منذ البداية، وهو يرى أن الله منحة أجمل وأرقى ما يمكن أن يزهو به أب: فتاة جميلة ورقيقة ومؤدبة» (همان: ۲۵).

گاه سرمایه اجتماعی مورد پذیرش و احترام بین غالب افراد جامعه، سرمایه‌ای منفی و در تضاد با تفکرات روشن‌فکرانه است. در جامعه کوچک و سنتی مورد بررسی، قتل و جنایت با حجت دفاع از حیثیت و شرف برای مردان، اعتبار و شهرت تلقی می‌شود؛ شهری که اگر خدشه‌دار شود، مساوی با بی‌اعتباری و شرم است و مرد بدون آن توان زیستن ندارد:

إذا كانت حياتي لا همكم، خافوا على أنفسكم بعد أن تقتلوني، الحكومة لن تترككم «وحدقت في وجه أخيها» أنت سيضيع مستقبلك! كيف ستعيش بعد أن تقتلني؟ قالت له باكية. «كيف سأعيش إذا لم أقتلك؟!» أجاها (همان: ۲۰۳).

این تفکرات، اساس سرمایه نمادین عمو سالم را نیز تشکیل می‌دهد؛ «همان ایدئولوژی که قربانی‌کردن جنس ضعیف در برابر جنس قوی را به راحتی توجیه می‌کند» (شوی، ۱۹۹۵: ۲۲)؛ از این رو، ابوامین و پسرانش را فاقد سرمایه نمادین شهرت خطاب می‌کند: «أرجو الله أن يكون هناك رجال في هذا البيت

ليقومو بما عليهم القيام به حماية لشرفهم، سأنتظر حتى المساء، واذا لم تتحركوا فإني أعلمكم أن بيتي ممتلئ بأبناء عمّها الرجال! (نصرالله، ۲۰۱۰: ۱۶۷).

سالم که خود را از حیث سرمایه نمادین قوی و غنی می‌بیند؛ با گفتمان تهدید، شخصیتی مدیر و مولّد از خود به نمایش می‌گذارد و به خانواده برادرش می‌فهماند که اگر توانایی حفظ آبروی خود را ندارند، او و پسرانش لکه ننگ را پاک خواهند کرد و در نهایت با قتل منار توسط امین، پیروزمندانه پرچم سیاه شرم را از سر در خانه ابو امین پایین کشیده و پرچمی سفید را جایگزین می‌کند.

## ۵. فضای اجتماعی

بوردیو بر این باور است که «جهان اجتماعی از عملکرد عاملان اجتماعی، به صورت فردی و گروهی، در قالب تعاون و تنازع ساخته می‌شود؛ اما این عملکردها در خلأ اجتماعی انجام نمی‌گیرد و عاملان اجتماعی بر اساس میزان بهره‌مندی از سرمایه‌ها، فضای اجتماعی را می‌سازند» (بوردیو، ۱۳۸۹: ۴۴). در این رمان از فضای نامساعدی که در بین طبقات پایین جامعه حاکم است و میلی که برای گریز از این وضعیت وجود دارد، سخن به میان آمده است. در شرفه العار، فضای جامعه در قالب انعکاس سنت ازدواج دختر عمو و پسر عمو از آغاز روایت به شکلی نهادی موجود است؛ عمو سالم از ابو امین می‌خواهد که دخترش را به عقد یکی از پسرعموهایش درآورد: «أبو الأمین كان علی حقّ حين رفض بتصميم ترویحها، ظلّ یردّد البنت صغيرة حتى کرهه أخوته الخمسة اللّذين كانوا یرون فی منار الفتاة الأجل والأكثر أدبا اللاتقة بأولادهم» (نصرالله، ۲۰۱۰: ۱۰).

فضای حاکم بر این محیط چنین است که طبقه پایین جامعه به دلیل شرایط سخت اقتصادی، فقر و بیکاری، برای علم و تحصیل ارزشی قائل نیست و معمولاً از همان دوران ابتدایی، فرزندان از تحصیل بازداشته می‌شوند تا وارد بازار کار شوند و کمک خرجی برای خانواده باشند. ابو امین با وجود علاقه شدیدی که به علم و پیشرفت دارد، در دوران کودکی از تحصیل محروم شده و نتوانسته است تحصیلات ابتدایی‌اش را به پایان برساند و در زمان حال نیز به دلیل اخراج و خانه‌نشینی وی، از انور، پسر کوچک خانواده، خواسته می‌شود ترک تحصیل کند: «احتلت البيت فكرة واحدة، هی أن یرك أنور المدرسة لیساعد الأسرة» (همان: ۶۲). چنان‌که مشاهده می‌شود، فضای اجتماعی رمان شرفه العار متأثر از شرایط اجتماعی موجود در بین طبقه‌ای است که هم‌زمان از فقر مادی و فرهنگی رنج می‌برند. وجود اعداد و ارقام در این رمان به پنج‌هزار دختر قربانی قاعده «قتل برای حفظ شرف» در جوامع عربی اشاره دارد که نصرالله در هر مقطع از رمان به شکل نمادین ذکر کرده است (ن.ک: نصرالله، ۲۰۱۰: ۵). نویسنده با پرداختن به این موضوع، عمق نارضایتی و انزجار خود را از تفکرات نادرست حاکم بر جامعهٔ مرسالار به خواننده القا می‌کند؛ جنایاتی که تحت عنوان دفاع از شرف، توجیه و نادیده گرفته می‌شود.

وقال الأخ الأكبر: «اطمئني الحكومة تخاف علينا أكثر مما تخاف عليك ولهذا أبتت ذلك القانون الذي یحیينا».

خمس رصاصات أطلقها شقیقها الأصغر علیها و خرج لیسلم نفسه للشرطة (همان: ۲۰۳).

در این جامعه، قانون به نحوی نگاشته شده که با وجود بی‌گناهی دختر، حکم به نفع مرد صادر می‌شود؛ لذا مرد جوان بی‌هیچ واهمه‌ای، حق زندگی را از خواهرش سلب می‌کند و خود شرح واقعه را به پلیس اطلاع می‌دهد و این قضیه، کنایه تحقیرآمیز نصرالله علیه وضعیّت موجود است. «سلطه نظام ذکوری، امری است که نیازی به توجیه ندارد؛ چراکه دیدگاه مرکزیت ذکور، به‌گونه‌ای خود را تحمیل کرده است که گویی امری عادی است و برای اعلان حضورش احتیاجی به تبلیغ و شرعی شدن ندارد» (بوردیو، ۲۰۰۹: ۲۷).

## ۶. میدان

میدان، نظام ساخت‌یافته موقعیّت‌هایی است که توسط افراد یا نهادها اشغال می‌شود و جامعه سلسله‌مراتبی ساختمان از میدان‌های متعدّد، مانند میدان سیاست، اقتصاد، طبقات اجتماعی، قدرت، هنر، ورزش، فلسفه و ... است (باز، ۲۰۰۶: ۶۲). در نظریه بوردیو، میدان نوعی ساختار مرده به حساب نمی‌آید، بلکه فضای بازی کنشگرانی است که با پذیرش قواعد بازی تحت تأثیر نیروی آن عمل می‌کنند. بازی اساساً نماد مبارزه و هدف هر بازیکن/کنشگر برنده شدن است (بوردیو، ۲۰۰۹: ۱۹).

در رمان *شرفه‌العار*، شاهد میدان‌های مختلفی هستیم؛ مانند میدان قدرت، میدان اقتصاد، میدان اخلاق، میدان هنر و ... در میدان قدرت، منار در برابر پلیس، بازپرس و مسئول زندان به‌عنوان نهادهای قدرت احساس ضعف و ناتوانی می‌کند:

بدأت منار تبكي، فنهرا مسؤول التحقيق! «البكاء لا يوصلنا إلى شيء!» ... هل كانت تلك أوّل مرّة تمارسين فيها الجنس؟ هل صرحت .... هل بقيت ساكنة؟ هل...؟ عندما انتهت أسئلتهم كانت منار على وشك السقوط (نصرالله، ۲۰۱۰: ۱۸۷).

این ترس و ناتوانی چندین بار در رمان منعکس می‌شود و دامنه این ترس علاوه بر پلیس و دادگاه، به ترس از همسایه‌هایی کشیده می‌شود که دائماً از پشت پنجره یا بالکن با نگاه، سخن و قضاوت ناروای خویش، او را آزار می‌دهند: «لکن منار کانت تخشي الحاکم والشرطة، والنوافذ والشرفات» (همان: ۱۲۵).

ابو امین، امین و یونس، هر سه در میدان اقتصاد، کم درآمدند و ضعیف عمل می‌کنند و فعالیت آنان در مشاغل کارگری در کارخانه سیمان و رانندگی، از دست دادن کار، فقر و بیکاری و بدهکاری و تلاش برای یافتن شغل دیگر، نشان از موقعیّت و منزلت اجتماعی نامناسب و عدم امنیّت شغلی آنها دارد. در این میدان، امین و یونس بازیگرانی هستند که در فضای اجتماعی با هم در رقابت‌اند. ابو امین به دلیل بیماری قادر به رانندگی نیست، ماشین خود را به یونس که راننده مطمئن است، می‌سپارد. امین رانندگی را از یونس می‌آموزد و با قبولی در آزمون رانندگی، ماشین را از یونس پس می‌گیرد، بی‌آنکه پیش‌تر به او اطلاع دهد تا کار جدیدی برای خود بیابد.

در میدان اخلاق، امین و یونس، هردو بازنده‌اند. یونس در دوستی به امین وفادار است و از کمک مالی به او نیز دریغ نمی‌کند؛ اما امین از این دوستی سوءاستفاده می‌کند و در نهایت، با بیکار کردن یونس و انکار بدهی خود به او، بذر انتقام را در دل او می‌کارد:



-نقود؟! ای نقود؟! أنا لم آخذ منك شيئاً. - بسيطة! ولكن إذا كنت تتخيل أنني سأني لأطرق باب بيتكم مثل شحاذ لأطلب حقّي... لن أطلبها منك مرة أخرى، تأكد من هذا، وتأكد أنك حين تنسى تماماً أنك أخذتها، سأذكرك بشيء لا يمكن أن تنساه أبداً (همان: ۸۹).

در این میدان، یونس برای انتقام از امین با بی اخلاقی محض، خواهرش منار را هدف قرار می دهد و برای رسیدن به خواسته اش، با نفاق، اعتماد منار را به خود جلب می کند: «کان یونس فرحاً لأنّ منار لم تشكّ بكلّ المصادفات المدبّرة التي تجتمع لها» (همان: ۹۳).

اما بزرگ ترین میدان در این اثر، میدان تولید فرهنگی است که افراد در آن با هم در رقابت اند و بر اساس نوع کنش ها از هم متمایز می شوند تا مخاطب را با دو گفتمان سنت گرا و نوگرا روبه رو کنند: «ألا تعرف ما الذي سيرا أولادك؟ ما الذي ستراه ابتك؟ مهدوء قال له أبو الأمين: سيرون ما أراه، وسنعرف ما يحدث في هذا العالم» (نصرالله، ۲۰۱۰: ۲۵).

در یک سوی این میدان، سالم قرار دارد که با هرگونه پیشرفت و آگاهی از اخبار جهان مخالف است و در سوی دیگر، ابوامین که با پیگیری اخبار جهان، با جریان روشنفکری هم گام شده است؛ ولی در نیمه راه، در رویارویی با سرمایه نمادین قطب کژآئین، خود را بازنده می بیند و سکوت می کند. نبیله و امّ امین نیز خود را بازنده می دانند. آنها درگفتمان مردسالار، عادت واره ها و سرمایه هایی منفی می بینند که توان ایستادن در برابر آن را ندارند و به این آگاهی دست یافته اند که امین و عمو برنده میدان قدرت هستند: «سیدبحونها! تمت أمها هاذية وهي تنظر إلى نبيلة: سيدبحونها قالت و كأن منار لم تكن هناك» (همان: ۱۴۳).

البته باید پذیرفت که تکرار با قطعیت عبارت «سیدبحونها»، مصداق سخن بورديو است که می گوید «حتی زنان نیز خود را با واقعیت مردسالار جهان به طور کلی و روابط سلطه مردان بر زنان به طور خاص، تطبیق داده اند و خود را اسیر آن می بینند» (بورديو، ۲۰۰۹: ۶۰).

## ۷. نتیجه

در این پژوهش، در پرتو عناصر اصلی نظریه بورديو یعنی منش، سرمایه، میدان و فضای اجتماعی، خلق و خوی شخصیت های برجسته رمان شرق العارة، روابط شخصیت ها با دیگر اعضای میدان، حجم سرمایه هایی که در اختیار دارند و تولید، بازتولید و تبدیل این سرمایه ها در میدان تولید فرهنگی بررسی شد. نتایج این پژوهش را می توان چنین دسته بندی کرد:

### ۷-۱. منش

محوریت این رمان، مبتنی بر کنش افرادی از طبقه پایین جامعه در محیطی نسبتاً بسته است که عاملان اجتماعی در این فضا، زندگی خصوصی دیگران را دنبال و به راحتی همدیگر را قضاوت می کنند. منش شخصیت ها در این رمان، عناصری را منعکس می کند که دال بر تمایز بین آنها و وابستگی به دو گفتمان و دو نگرش مختلف است:

جدول منش شخصیت‌ها در رمان <i>شرفه‌العار</i>			
منش	نوع رفتار و گفتار	علائق شخصی	تعلقات مذهبی
منار	رسمی، مودبانه، آرام و متین	مطالعه کتاب و روزنامه، علاقه به هنر و محافل ادبی	اشاره نشده است
ابو امین	محترمانه و مقتدر، در پایان رمان منفعل	مطالعه روزنامه، پی‌گیری اخبار روز، ماهواره	اشاره نشده است
ام امین	مودبانه، ترس، انفعال	خیاطی	اعتقاد به دعا و توسل به کتاب خدا و پیامبران
امین	پرخاشگر، خشن، بی‌بندوبار	تفریح و روابط نامشروع	اشاره نشده است
نیبلیه	محترمانه، ترس، سکوت، انفعال	اشاره نشده است	اعتقاد به دعا
سالم	مقتدر و بی‌منطق عصبانی و تهدیدآمیز	اشاره نشده است	مذهبی تندرو

### ۷-۲. سرمایه

بهره‌وری نابرابر از سرمایه‌های چهارگانه که وابسته به منش هریک از شخصیت‌های کنش‌گر در رمان است، موجب شده است تا هریک از آنان در میدان تولید فرهنگی، توانمندی‌های متمایزی بروز دهند؛ از این‌رو، برخی با توسل به خشونت و حمایت نهاد اجتماعی، قدرت بیشتری کسب می‌کنند (سالم و امین). برخی با وجود غنای سرمایه فرهنگی، به‌واسطه خشونت گفتمان غالب و عدم حمایت اجتماعی مناسب، از میدان حذف می‌شوند (منار) و برخی با سکوت، خودخواسته از میدان بیرون می‌روند (ابو امین).

جدول سرمایه چهارگانه شخصیت‌ها در رمان <i>شرفه‌العار</i>										
انواع سرمایه	اقتصادی		اجتماعی			فرهنگی			نمادین	
	شغل و درآمد	مالکیت شخصی	مثبت	منفی	عینی	نهادینه	تبیده	اقتصادی	اجتماعی	فرهنگی
منار	مدرّس، حق‌وق کارمندی	تلفن همراه	خانواده، مدرسه، دانشگاه، حضور در اجتماع	پنهان‌کار، اقدام به خودکشی	کتاب، روزنامه، سینما، نمایشگاه، موزه، انجمن-های ادبی	لیسانس، سجامه، شناسی	تدریس، تفکر و مطالعه	اشتغال در مدرسه	مهربانی و متانت، منزلت بین خانواده، همکاران، شاگردان	موفقیت تحصیلی، همکاری
ابو امین	حقوق‌کارگری در کارخانه سیمان: پیش از بیماری کار در آژانس: دوران بیماری	خانه ماشین سوپارو	اعتماد، صداقت، خانواده، مدرسه، دوستان، خویشاوندان، حضور در اجتماع	سکوت	روزنامه	تهی	مطالعه	تهی	قابلیت کنترل، خانواده، منزلت بین دوستان	تهی

استخدام راننده زمان ناتوانی										
ام امین	فاقد درآمد	چرخ خیاطی، چند تکه طلا	مدرسه، خانواده	سکوت، انفعال	تهی	مدرک خیاطی	تهی	تهی	قابلیت کنترل تنش در خانواده	تهی
امین	راننده ابو امین	ندارد	خانواده، دوستان، خویشا ندان، همسایگا ن، حضور در اجتماع، اعتماد به نهاد قضایی	خیانت، پنهان کاری، دروغ، انحراف، اخلاقی، قتل، خشونت، عاطفی و فیزیکی	تهی	تهی	تهی	تهی	تعصب و دفاع از شرف	تهی
سالم	نامشخص	خانه	خانواده، خویشا ندان، حضور در اجتماع، اعتماد به نهاد قانون	خشونت عاطفی، مشارکت در قتل	تهی	تهی	تهی	تهی	تعصب و دفاع از شرف	تهی

چنان‌که مشاهده می‌شود، امین و سالم از نظر مالکیت بر سرمایه فرهنگی، ضعیف و از نظر سرمایه اجتماعی، به شدت غنی هستند. سرمایه منفی اجتماعی در گفتمان این دو، به کنش‌هایی تبدیل می‌شود که خیانت و خشونت را بازتولید می‌کند. منار، نماینده گفتمان راست‌آئین، به‌رغم منش روشنفکری، دستیابی به موقعیت اجتماعی و غنای مقبول سرمایه فرهنگی و اقتصادی، با بحران داغ‌تنگ روبه‌رو و بر اساس قاعده مشروعیت «قتل برای دفاع از حیثیت» از صحنه حذف می‌شود.

### ۷-۳. فضای اجتماعی

فضای اجتماعی در این رمان به‌شدت متأثر از نهادها و ساختار اجتماعی است. منار، به‌رغم نگرش روشنفکرانه و موفقیت‌های مکتسبه از ساختار حاکم تأثیر می‌پذیرد و قادر نیست در مقابل سالم، نماینده نهاد مذهبی تندرو، سیستم قضایی و حتی قضاوت‌های اهالی محل بایستد و این امر نشان می‌دهد که عاملیت افراد به‌شدت تحت تأثیر ساختار اجتماعی و قوانین حاکم بر جامعه سنتی است. در این جامعه،

حتی بازپرس پرونده و نظام قضایی به‌عنوان نهادهای امنیتی، سرمایه منفی خشونت را به‌شکل زبانی و روشمند بازتولید می‌کنند تا او را در جایگاه فردی نابه‌هنجار از میدان خارج کنند.

۴-۷. میدان

در این رمان، میدان‌های متعددی مشاهده می‌شود؛ امین و یونس در میدان اقتصاد با هم در رقابت‌اند تا با جلب توجه ابوامین و مسافرکشی با ماشین او درآمدی برای گذران زندگی به دست آورند. برنده نهایی این میدان، امین است که با خیانت در میدان اخلاق، ماشین پدر را تصاحب و آتش دشمنی و انتقام را در یونس شعله‌ور می‌کند. در این میدان، منار برنده اخلاق است؛ چراکه با مهربانی و احترام تا لحظه مرگ پایبند به خانواده است و به‌رغم بی‌مهری و برداشتن حمایت از او، همچنان به آنها عشق می‌ورزد.

### پی‌نوشت

۱. ابراهیم نصرالله، نویسنده و شاعر فلسطینی تبار است که در ۱۹۵۴م در اردوگاه‌های فلسطینی‌نشین واقع در عمان به دنیا آمد. مهم‌ترین عاملی که در پیشرفت و پختگی ادبی او تأثیر بسزایی داشت، همان دوران زندگی در اردوگاه است و پس از آن، فرهنگی که از طریق ادبیات جهانی و ادبیات عربی به آن آگاهی یافته است (غیائی، ۱۳۸۷: ۹۴). آثار داستانی نصرالله عبارت‌اند از: رمان *براری الحمی*، رمان *أمواج البرية*، رمان *عو*، رمان *حارس المدينة الضائعة*، مجرد ۲ فقط، *المهواة الفلسطينية*، *طيور الحذر*، *شرفه العار* ...

۲. منش، خصلت یا عادت‌واره، مجموعه‌ای از خلق و خوهای پایدار در افراد است که کردارهای خاصی پدید می‌آورد و بوردیو آن را ناخودآگاه فرهنگی می‌نامد (لعرینی، ۲۰۱۴: ۶۶).

### منابع

- اخباری، صدیقه (۱۳۹۳)، «نوع‌شناسی تطبیقی رمان نو در ادبیات فارسی و عربی با تکیه بر دو رمان هیس (محمدرضا کاتب) و حارس المدينة الضائعة (ابراهیم نصرالله)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند.
- بزاز، عبدالکریم (۲۰۰۷)، «علم الاجتماع بیار بوردیو»، اطروحة الدكتوراه، الجزائر، جامعة منتوري.
- بوردیو، بی‌یر (۲۰۰۹)، هیمنة الذکوریة، ترجمة سلمان قعقرانی، بیروت، المنظمط العربیة للترجمة.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۱۲)، مسائل في العلم الاجتماع، ترجمة هناء صبحي، الإمارات، هیئة أبوظبي للسياحة والثقافة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، نظریة کنش؛ دلایل علمی و انتخاب عقلانی، ترجمة مرتضی مردی‌ها، چاپ سوم، تهران، نقش و نگار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، تمایز (نقد اجتماعی و فضاوت‌های ذوقی)، ترجمة حسین چاوشیان، تهران، ثالث.
- دلشاد، شهرام (۱۳۹۲)، «تداخل ژانرهای ادبی رمان‌های ابراهیم نصرالله (بررسی موردی رمان پادشاه منطقه الجلیل)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- دورکایم، امیل (۱۹۸۸)، قواعد المنهج في علم الاجتماع، ترجمة د. محمود قاسم، الإسكندرة، دار المعرفة الجامعية.
- سرباز، حسن و سیدحسین آریا دوست (۱۳۹۰)، «ابراهیم نصرالله و تجربته الروائية»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (نقد و ادبیات تطبیقی سابق)، سال اول، زمستان، ش ۴، ۵۵-۷۳.
- سلیمی، علی و مصیب قبادی (۱۳۹۲)، «تحلیل رمان طفل الممحة اثر ابراهیم نصرالله از منظر پیوند میان باورهای دینی و رئالیسم»، مطالعات داستانی، دوره ۲، پیاپی ۵، آذر، ش ۱، ۶۸-۸۱.

- سنينة، محمّد و هشام معيّري (٢٠١٧)، «محاولة في فهم سوسيلوجيا الهيمنة (قراءة في فكر بيير بورديو)»، مجلة العلوم الاجتماعية و الانسانية، العدد ١٧، ١١٠-١٢٠.
- شوفاليه، ستيفان و كريستيان شوفيري (٢٠١٣)، معجم بورديو، ترجمة د. الزهرة ابراهيم، سوريه، دار الجزائرّيّة السوريه.
- شوي، اورزولا (١٩٩٥)، أصل الفروق بين الجنسين، ترجمة بوعلّي ياسين، الطبعة الثانية، سوريه، اللازقيّة دار الحوار.
- صياداني، علي و همكاران (١٤٠٠)، «جلوه‌های تمايز در رمان اللص و الكلاب بر اساس الگوی جامعه‌شناختی پير بورديو»، ادب عربي، دوره ١٣، زمستان، ش ٤، ١٠٩-١٢٨.
- عرب، عباس و اميد ايزانلو (١٣٩٤)، «نقد جامعه‌شناختی شعر عدیّ بن زيد عبادی»، ادب عربي، دوره ٨، بهار، ش ١، ١٣٩٥-٢٤١-٢٤٢.
- علي، عليوة (٢٠١٨)، «الصراع و ادارة الصراع عند كلّ من آلان توران، بيار بورديو، ميشال كروزيه»، الرسالة للدراسات والبحوث الانسانية، العدد ٩، ١٤٠-١٥٠.
- غيثي، بي بي زهره (١٣٨٧)، «نوگرای در آثار ادبی ابراهيم نصرالله»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- گرنفل، مايكل (١٣٨٩)، مفاهيم كليدي بورديو، ترجمة محمّد مهدي لبيبي، تهران، افكار.
- نصرالله، ابراهيم (٢٠١٠)، شرفة العار، بيروت، دار العربيّة للعلوم.
- لعربي، صلاح الدين (٢٠١٤)، «مفهوم الهابيتوس عند بيير بورديو»، مجلة العلوم الاجتماعية، العدد ٩، ٦٢-٧١.

## Sources

- Akhbari, Sedigheh (2014), "Comparative typology of a new novel in Persian and Arabic literature based on the two novels of Hess (Mohammad Reza Kateb) and Hares al-Madinah al-Lada'a (Ibrahim Nasrallah)", Master Thesis, Birjand University, [In Persian].
- Ali, Aliwa (2018), "Conflict and Conflict Management for Alain Touran, Pierre Bourdieu, and Michel Crozet", Al-Resala for Human Studies and Research, No 9, 140-150, [In Arabic].
- Arab, Abbas and Omid Izanloo (2015), "Sociological Critique of the Poetry of Uday Ibn Zayd Ebadi", *Arabic Literature*, [In Persian].
- Bazzaz, Abdelkarim (2007), "Sociology, Pierre Bourdieu," doctoral thesis, Algeria, Mentouri University, [In Arabic].
- Bourdieu, Beyer (2009), *Male Dominance, translated by Salman Kaqarani*, Beirut, The Arabic Organizer of Translation, [In Arabic].
- (2012), *Issues in Sociology*, translated by Hana Sobhi, UAE, Abu Dhabi Tourism and Culture Authority, [In Arabic].
- (2010), *Theory of Action; Scientific Reasons and Rational Choice*, translated by Morteza Mardiha, third edition, Tehran, Naghsh-o-Negar, [In Persian].
- (2011), *Distinction (Social Criticism and Taste Judgments)*, translated by Hossein Chavoshian, Tehran, Sales, [In Persian].
- Chevalier, Stephan and Christian Chaufery (2013), *Bourdieu Dictionary*, translated by Dr. Al-Zahra Ibrahim, Syria, Dar Al-Jazeera Al-Syria, [In Arabic].
- Delshad, Shahram (2013), "Interference of Literary Genres in Ebrahim Nasrollah's Novels (A Case Study of the King of Jalil Region Novel)", Master Thesis, Tarbiat Modares University, [In Persian].
- Durkheim, Emile (1988), *The Rules of Curriculum in Sociology*, translated by Dr. Mahmoud Qassem, Alexandria, University of Knowledge House, [In Arabic].
- Ghayathi, Bibi Zahra (1387), "Nograyi Dar Athar Ebrahim Nasrallah", Master Thesis, Daneshgah Tarbiat Mudarres, [In Persian].

- Grenfell, Michael (2010), "Key Concepts of Bourdieu, translated by Mohammad Mehdi Labibi", Tehran, Afkar, [In Persian].
- Laarini, Salah El-Din (2014), "The concept of the habitus according to Pierre Bourdieu," Morocco, Journal of Social Sciences, No 9, 62-71, [In Arabic].
- Nasrallah, Ibrahim (2010), *Balcony of Shame*, Beirut, Dar Al Arabiya for Science.
- Sarbaz, Hassan and Seyed Hossein Ariadoost (2011), "Ibrahim Nasrallah and the Experience of Narrative", *a compilation of comparative literature*, No 4, 55-73, [In Persian].
- Salimi, Ali and Mosayeb Ghobadi (2013), "Analysis of Ebrahim Nasrollah's novel The Child of Controversy from the Perspective of the Relationship between Religious Beliefs and Realism", *Bimonthly Quarterly*, No 1, 68-81, [In Persian].
- Sayadani, Ali and al. (1400), "The effects of differentiation in the novel *The Thief and the Haber Dog* Based on Pierre Bourdieu's Sociological Model", No 4, 109-128, [In Persian].
- Shwe, Orzola (1995), *The Origin of Gender Differences*, translated by Bouali Yassin, second edition, Syria, Latakia, Dar Al-Hiwar, [In Arabic].
- Sunaina, Mohamed and Hisham Moayri (2017), "An attempt to understand the sociology of hegemony (reading in the thought of Pierre Bourdieu)", *Social Sciences and Humanities*, No17, 110-120, [In Arabic].